

نفت دریای خزر به کجای می رود؟

مترجم: جمیله گلکاران
منبع: آسیاتایمز



این سوالی است که سردگمی و شگفتی بسیاری را فراهم آورده است. در ۱۵ مارس شبکه‌های خبری دنیا در حالی از نهایی شدن امضای پروژه ساخت خط لوله یک هزار و ۳۰۰ کیلومتری "کونستانتا-تریستا" در زاگرب خبر دادند، که هنوز ساخت خط لوله "بورگاز-اسکندریه" به نتیجه نرسیده است.

خط لوله نفتی کونستانتا-تریستا که به خط لوله "پان یورپ" (پی ئی او پی) معروف است، از بندر کونستانتای رومانی در دریای سیاه به بندر تریستا در دریای مدیترانه رفته و سپس به ایتالیا منتهی می‌شود. این خط لوله که از صربستان، کرواسی و اسلونی نیز می‌گذرد، هزینه ساخت آن حدود ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده و ساخت آن تا سال ۲۰۱۲ به اتمام می‌رسد. با اتمام ساخت این خط لوله، ۱۰۰ میلیون تن نفت از میدان‌های نفتی دریای خزر پس از پشت سر گذاشتن آبراه‌های ترکیه به غرب اروپا می‌رسد و نفت قزاقستان و آذربایجان را به پالایشگاه‌های شمال ایتالیا و اروپای مرکزی می‌رساند.

آنچه که مسلم است امکانات حمل و نقل در منطقه دریای خزر محدود است و ساخت خطوط لوله انتقال نفت و گاز، مشکلات را حل نمی‌کند. از سوی دیگر خطوط راه آهن، پایانه‌های دریایی و تاسیسات ذخیره‌سازی نیز نیاز به بازسازی دارند و توسعه زیرساختاری، مساله عمده در کشورهای حوزه دریای خزر و دریای سیاه است.

مراسم امضای ساخت خط لوله کونستانتا-تریستا در زاگرب از سوی وزیران انرژی ۵ کشور اروپای مرکزی یک واقعه شگفت‌انگیز بود. در خلال چند سال گذشته، امضای یادداشت تفاهم ساخت این خط لوله بارها به تعویق افتاد و بالاخره در پاییز سال ۲۰۰۶ این مساله مورد بحث قرار گرفت و سرانجام در ۳ آوریل ۲۰۰۷ به امضا رسید. اما هنوز هم بیانه‌های واقعی در خصوص حمایت

کشورهای امضاکننده یادداشت تفاهم، از ساخت خط لوله منتشر نشده است. حداقل تا الان دولت اسلونی نسبت به اجرای این

پروژه و آمد به سفر را دور می‌زند. این خط لوله از بندر بورگاز در سواحل دریای سیاه متعلق به بلغارستان شروع شده و پس از رسیدن به بندر "کونستانتا" در رومانی از



طریق خط لوله "پی ئی او پی" به سمت جنوب، به یک هزار و ۴۰۰ کیلومتری تریستا منتهی می‌شود. هزینه ساخت خط لوله "پی ئی او پی" حدود ۲ میلیارد یورو برای رومانی هزینه دربر دارد و سه سال به طول می‌انجامد و قادر است ۹۰ میلیون تن نفت در سال را پمپاژ کند. خط لوله ترانس-بالکان نیز باید ۳۰۰ کیلومتر میان بندر بورگاز به الکساندروپولیس در یونان را طی کند و هزینه ساخت آن یک میلیارد یورو برآورد شده. ظرفیت حمل این خط لوله ۳۰ میلیون تن در سال و پتانسیل افزایش ظرفیتش ۵۰ میلیون تن است. هر دو پروژه ساخت خط لوله در جنوب اروپاست و منبع اصلی نفت آنها نیز از دریای خزر تامین می‌شود. از سوی دیگر، موفقیت هر دو پروژه به ظرفیت عملیاتی

پروژه اطمینان کامل ندارد و نگران اکولوژی منطقه "گارست" است که قرار است خط لوله نفتی از ۲۹ کیلومتری آن عبور کند. دولت صربستان، کروواسی و به ویژه رومانی از ابتدا با اجرای این پروژه موافق بودند. رومانی از اجرای این پروژه در مدت ۲۰ سال، بین ۲ تا ۴ میلیارد دلار سود می‌برد. ظاهراً با امضای توافق نامه خط لوله "ترانس-بالکان"، در آن، در ماه مارس، روند اجرای کارساخت خط لوله کونستانتا-تریستا سرعت می‌گیرد. خط لوله ترانس-بالکان که کمتر از گذشت یک سال به بهره‌برداری می‌رسد، یک مسیر انتخابی برای عرضه نفت دریای سیاه به بندر مدیترانه است که تنگه

کنسرسیوم خط لوله دریای خزر (سی پی سی) بستگی دارد که نفت دریای خزر را به پایانه نفتی "نوروسیسک" در دریای سیاه منتقل می کند.

در حال حاضر، ظرفیت انتقال نفت "سی پی سی" در سطح محدودی است. اما انتظار می رود که در آینده نزدیک ظرفیت حمل آن افزایش یابد. در صورت وقوع این امر، تحلیل گران معتقدند که روسیه، سهامدار اصلی "سی پی سی"، توجهش به سوی خط لوله ترانس-بالکان که در کنترل خودش است، جلب می شود تا خط لوله "پی ئی او پی" که در کنترل اروپاست.

پروژه ساخت خط لوله "پی ئی او پی" مورد حمایت ایتالیا، کرواسی، صربستان، اسلوانی و رومانی است که در مراسم امضای قرارداد ساخت آن نیز شرکت کردند. کارشناسان انرژی آمریکا اعلام کرده اند منطقه دریای خزر سومین ذخایر انرژی در جهان را در خود جای داده است. اما هنوز هم استخراج و انتقال این ثروت پنهان، به واسطه نبود خطوط انتقال نفت و گاز یک مشکل اساسی است.

هم اکنون نفت دریای خزر از طریق پنج مسیر به بازار جهانی منتقل می شود که عبارتند از خط لوله "باکو-نوروسیسک"، "باکو-سوپسا"، "تنگیز-نوروسیسک"، "آئبرو-سمارا" و "نکا-تهران". ظرفیت کل حمل نفت خام این خطوط لوله تا سال ۲۰۱۵ به ۱۲۲ میلیون تن خواهد رسید و این آمار بدون در نظر گرفتن خط لوله در حال ساخت "باکو-تفلیس-جیهان" برآورد شده است. در همین حال، میزان تولید نفت تا سال ۲۰۱۵ به ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تن خواهد رسید.

بیشتر کارشناسان نفتی در این خصوص که کشورهای حوزه دریای خزر کمتر از ۱۰ درصد از ذخایر نفتی خاورمیانه را در دست دارند، اتفاق نظر دارند. در حقیقت با احتساب این مقدار، سایر کشورها در مجموع فقط ۵۳ درصد از ذخایر نفتی اثبات شده خاورمیانه را در اختیار دارند. بر اساس آمار مربوط به پیش بینی سید انرژی در جهان، تا سال ۲۰۵۰، کشورهای حوزه دریای خزر و خلیج فارس بیش از ۸۰ درصد نفت و گاز طبیعی جهان را تولید می کنند. مجموع ذخایر نفتی کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای خزر ۸۰۰ میلیارد بشکه است و میزان ذخایر گازی نیز به همین نسبت است. ذخایر نفتی آمریکا و اروپا در مقایسه با ذخایر نفتی کشورهای این دو حوزه کمتر از ۱۶۰ میلیارد بشکه است که تا سال ۲۰۳۰ به اتمام می رسد.

تا این اواخر، تنها مسیر صادرات نفت به غرب از طریق شبکه خطوط لوله تحت کنترل روسیه، صورت می گرفت. در ژوئیه ۲۰۰۶ با آغاز به کار خط لوله نفتی



تا سال ۲۰۵۰،

کشورهای حوزه دریای خزر و خلیج فارس بیش از ۸۰ درصد نفت و گاز طبیعی جهان را تولید می کنند

باکو-تفلیس-جیهان (بی تی سی) انحصار روسیه بر انتقال نفت دریای خزر به غرب پایان گرفت. ظرفیت حمل نفت "بی تی سی" ۵۰ میلیون تن در سال است و البته استفاده بلندمدت از این خط لوله بستگی به در دسترس بودن نفت میدان عظیم نفتی کاشاکان قزاقستان دارد که در این صورت "بی تی سی" از نظر تجاری مقرون به صرفه خواهد بود.

خط لوله "باکو-تفلیس-جیهان" (بی تی سی) را "شرکت خط لوله بی تی سی"، کنسرسیوم عظیمی به رهبری "بی پی"، طراحی کرده است. سهامداران عمده در این کنسرسیوم عبارتند از "بی پی" ۳۰/۱ درصد سهام و "سوکار" ۲۵ درصد سهام. سهامداران دیگر عبارتند از "یونوکال" آمریکایی با ۸/۹ درصد سهم، "استات اویل" نروژی با ۸/۷۱ درصد سهم، "ترکیش پترولیوم" از ترکیه با ۶/۵۳ درصد، "انی" ایتالیا با پنج درصد، "توتال" فرانسه با پنج درصد، "ایتوچو" ژاپن با ۳/۴ درصد، "کونوکوفیلیس" آمریکایی با ۲/۵ درصد سهم، "اینپکس" ژاپن با ۲/۵ درصد سهم و در آخر شرکت "دلنا هس" که یک شرکت مشترک سرمایه گذاری میان "دلنا اویل" سعودی و "امرادا"

آمریکایی است، ۲/۳۶ درصد سهام این پروژه را در اختیار دارد. این کنسرسیوم همچنین خط لوله گاز جنوب قفقاز که به موازات "بی تی سی" حرکت کرده و از سه میدان نفتی (آذری-شیراک-گانشلی) و میدان گازی "شادینز" عبور می کند، طراحی کرده است. میدان گازی "شادینز" قرار است این خط لوله را تغذیه کند.

بلافاصله با راه اندازی "بی تی سی"، قزاقستان به "بی تی سی" پیوست و برای تضمین مقرون به صرفه بودن این خط لوله به توسعه این خط لوله پرداخت که بسیاری انتظار دارند مسیر دریایی بندر جیهان را به بزرگترین پایانه نفتی منطقه تبدیل کند.

روسیه به شدت با ساخت خط لوله "بی تی سی" مخالف بود و هرگز به شرکت های فعال در این پروژه نپیوست. با این وجود، روسیه هرگز عقب ننشست و در نظر نیز ندارد که موقعیت حاکم خود را در انتقال منابع انرژی دریای خزر به غرب از دست بدهد.

به همین دلیل در صدد ساخت یک خط لوله به موازات "بی تی سی" به غرب اروپاست. آنچه که مسلم است خط لوله "پی ئی او پی" برای اروپا که در نظر دارد منابع دریافت انرژی خود را متنوع سازد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

در حال حاضر کشورهای اروپایی تقریباً نیمی از نفت و گاز خود را از روسیه دریافت می کنند و انتظار می رود که تا سال ۲۰۳۰ این میزان به ۷۰ درصد برسد.

اروپا چندین دهه است که مشتری نفت و گاز روسیه است و در این زمینه نیز هیچ گاه نگرانی نداشته، اما در سال ۲۰۰۵ با مشاجره میان روسیه و اوکراین بر سر بهای گاز و قطع گاز به این جمهوری، بحران عرضه گاز روسیه به مشتریان اروپایی جنبه جدی تری به خود گرفت. در ژانویه ۲۰۰۷ که بلاروس عرضه گاز به غرب اروپا از خط لوله دروژبا را قطع کرد، اوضاع بحرانی تر شد. به همین دلیل کشورهای اروپایی برای تضمین امنیت انرژی به سوی منابع انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز جلب شدند.

کشورهای اروپایی سالانه ۷۰۰ میلیون تن نفت مصرف می کنند که ۷۰ درصد آن از محل واردات تامین می شود و از این بین، یک چهارم واردات نفت از سوی روسیه صورت می گیرد و مابقی از عربستان، لیبی، ایران و الجزایر تامین می شود.

در حال حاضر، تولید نفت آذربایجان ۲۶ میلیون تن در سال و قزاقستان ۶۳ میلیون تن است. به این ترتیب می توان دریافت که ظرفیت حمل نفت خط لوله "پی ئی او پی" ۹۰ میلیون تن، ظرفیت حمل ترانس-بالکان ۵۰ میلیون تن و "بی تی سی" نیز ۵۰ میلیون تن در سال خواهد بود.